

قیمت انسان

و کفی بالمرء جهلا
ان لایعرف قدره (۱)

برای نادانی شخص همین بس که
قدر و قیمت خود را نداند
(علی علیه السلام)

درست است که عصر و زمان ما عصر صنعت و دانش و پیشرفتهای همه
جانبه اجتماعی و اقتصادی و... میباشد، و بشر در این عصر بجائی گام نهاد
که تاکنون هیچیک از انسانهای معمولی با آنجا (یعنی کره ماه) نرفته بود!
و حقاً کاری شگفت‌انگیز انجام داد.

ولی نباید از نظر دور داشت که از نظر جنایت و فساد و خرابکاری هم
همین انسان بجائی رسیده که تاکنون با آنجا نرسیده بود!!

در همان اوقات که سر و صدای اعجاب‌آمیز و بهت آور پرواز آپولو
۱۱ و تسخیر کره ماه بگرمی خود باقی بود و سرنشینان آن پس از بازگشت
از ماه بکشورهای جهان مسافرت مینمودند و از آنها استقبالهای پر شور و
داغ میشد و جاهم داشت و برای عالم مطبوعات هم سوژه گرانبائی بود

گزارش ذیل را نیز همان مطبوعات نوشتند و منتشر ساختند.

موج جنایت در آمریکا !!

ادگار هوور رئیس سازمان «اف بی آی» آمریکا امروز گزارش داد که جنایت و تبهکاری در این کشور روزافزون است و کار تجاوز بزنها و دزدی درشش ماهه اول سال ۱۹۶۹ بالا گرفته است. وی در گزارش نیمه اول سال ۱۹۶۹ خود نوشته است انواع جنایت و تبهکاری ۹ درصد نسبت به شش ماهه اول سال ۱۹۶۸ بالا رفته است اما جنایات و کشتارهای دسته جمعی ۱۲ درصد افزایش یافته است ادگار هوور نوشته است دزدی ۱۷ درصد، تجاوز بزنها و دخترها ۱۵ درصد و آدم کشی ۸ درصد افزایش یافته است و تبکار بنهای دیگر از جمله اتومبیل دزدی ۹ درصد بیشتر شده است وی تأکید کرده است که در شهرهای با جمعیتی بطور متوسط ۲۵۰ هزار نفر انواع جنایات ۸ درصد بیشتر شده است (۱)

باز طبق گزارش ادگار هوور در سال ۱۹۶۷ بیش از ۳۸ میلیون مورد جنایت جدی و شدید در آمریکا شده است (۲) و نیز طبق گزارش مؤسسه (اف. بی آی) (سازمان تحقیقاتی آمریکا) میزان جنایات جدید در سال ۱۹۶۸، ۱۷ درصد بالا رفته است (۳) و تنها در تهران هر روز ۱۰۰ پرونده مربوط به متعلق گوها و مزاحمین بانوان درشوراهای داوری مورد رسیدگی قرار میگیرد (۴)

۱- کیهان ۲- کیهان - ۷۵۳۳ توسط کتاب جوان

۳- اطلاعات - ۱۲۸۵۷ توسط کتاب جوان ۴- کیهان ۶ بهمن ۴۸

بالاخره موضوع جنایات عمومی و فردی و خرابکاریهای اجتماعی

و شخصی چیزی است که جملگی برآند !!

هدف این مقاله این است که یکی از راههای کنترل فساد و جنایت

را از نظر اسلام بررسی نماید شاید تا حدودی از این راه بهره برداری

شود و در شعاع کوچکی هم که باشد از فساد جلوگیری نمائیم «والله المعین»

بدون تردید یکی از عوامل و اسباب اعمال زشت و کارهای مخرب

خود و دیگران را پست دیدن و احساس ارزش و قیمت ننمودن است !!

وقتی انسان خود و دیگران را بی ارزش و حقیر حساب نمود دست بهر آلودگی

میزند و بهر منجلائی فرو خواهد رفت .

برعکس اگر برای خود حساب شخصیتی باز کرد و خویشتر را بالاتر

از حیانت و جنایت دانست آنوقت است که در پیشامدهای جنایت زبا خود

میگوید من کجا و جنایت ! من کجا و خرابکاری ! و همینطور وقتی برای

دیگران شرافت انسانی معتقد شد . و آنانرا مانند بره و بز حساب نکرده

هیچگاه حاضر نمیشود درباره آنهاستم وارد سازد، و حقوق آنانرا لگدمال

سازد !!

انسانی که برای خود ارزش قائل است بکارهای بی شرفانه‌ای که

جنبه شخصی داشته باشد و لطمه‌ای هم برای کسی نداشته باشد دست نمیزند.

و چون برای دیگران هم احترام قائل است رعایت عدالت اجتماعی نموده

و از طرف او ظلم و طغیان و هرگونه بیدادگری نسبت با اجتماع سر نخواهند زد.

از این رهگذر است که اسلام در تعلیمات عالی خود اولاً بهر انسانی

بدهد که او دارای ارزش ممتاز است . و بر بسیاری از موجودات

جهان هستی نفوق و برتری دارد. و ثانیاً هر کس را موظف ندارد که بتمام افراد انسانی بعنوان موجودی باشخصیت بدیده احترام بنگرد.

اکنون قسمت اول

خدای بزرگ در قرآن مجید میفرماید و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً (اسراء آیه ۷۰) یعنی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و در خشکی و دریا حملشان نمودیم و از چیزهای پاکیزه و زیشان دادیم و آنرا برابر بسیاری از مخلوقات خود برتری و امتیاز مخصوص بخشیدیم.

اسلام بهر انسانی میگوید مواظب باش خود را ارزان نفروشی و بیدار باش که ارزش تو از تمام دنیا و مافیها بیشتر است !!
حضرت علی (ع) ضمن یکی از کلمات کوتاه و بلند پایه خود میفرماید:
انه لیس لانفسکم ثمن الا الجنة فلا تتبعوها الا بها (۱) یعنی همانا ثمن و قیمت شما جز بهشت جاودان نیست مواظب باشید خود را ارزان نفروشید.

و نیز میفرماید و لبئس المفتجران تری الدنيا لنفک ثمناً (۲)
بسیار معامله بدو پر خسارتی است که دنیا را قیمت خود حساب کنی (و خویش را در برابر آن بفروشی).

راستی آیامیشود انسانی که باوفهمانند این اندازه ارزش دارد و تا اینقدر دارای شخصیت و احترام میباشد خود را برای دنیا ذلیل سازد؛ و

برای چند درهم و دینار تمام شرف و شخصیت خویش را باین و آن بفروشد؟

و با عملیاتی دست زند که بقیمت انسانیت و حیثیت او تمام شود ۱۱۹

امام علی (ع) میفرماید: من کرمت علیہ نفسہ لم یبھنها بالمعصیة (۱)

آنکس که جان خود را عزیز و گرامی یافت بمعصیت و کار خلاف او را

موهون نمیسازد.

ولی اگر باین انسان خاطر نشان ساختند که تو موجود بی ارزشی

هستی و اصولاً پیش از یک حیوان ارزش نداری آن وقت است که بهر کار

نسکینی دست میزند و باک هم ندارد !!

ما معتقدیم که یک جهت عمده اینکے بشر عصر کیهان و فضا تا این

اندازه جنایت آمیز شده و بطرف هر عمل و کار شرف ریز و شرم انگیزی

رو میآورد همین افکار مسموم و خطرناک زشتی است که به بشر امروز تلقین

شده و میشود که مقام انسانیت او با مقام حیوانات دیگر فرقی ندارد.

حالا یک مقایسه کوتاه بین مقام ارزشمند و پرافتخار انسان از نظر

اسلام که مختصراً گفته شد و مقام پست او از نظر دیگران مینمائیم.

۱- ژوزف گراج نویسنده بی دین مینویسد وجود بشر پیش از

وجود حشره ای پست که از یک مرحله نیستی به مرحله نیستی دیگر میخزد

معنی ندارد (۲)

۲- مادیون میگویند بشر جز کارخانه پیچیده ای بیش نیست و اصلاً

روح ندارد.

(۱) غرر الحکم حرف میم ص ۶۷۷

۲- ازدین چه سودی ص ۱۴۵

۳- کارل مارکس میگوید اقتصاد اساس زندگی بشر است و همه کمالات بر محور پول و کار میچرخد .

۴- فروید میگوید شهوت جنسی ریشه تمام فضائل انسانی است وزیر بنای کلیه امتیازات بشر خواسته سکسی و شهوی اوست .

۵- داروین میگوید بشر نوع مستقلی نیست و فقط تکامل یافته نوعی از میمون است .

۶- مجله پرس مدیکال چاپ پاریس پس از حساب دقیقی ارزش بدن انسانرا ۲۰ فرانک در حدود ۲۵ تومان تعیین کرده است !! این مجله نوشته قیمت مواد اولیه ای که بدن انسانرا تشکیل میدهد از ۲۰ فرانک تجاوز نمیکنند خیال همداخت شدنی را فرضاً تو آدم از دست بروی (سائر مشکلات زندگی پیشگشت) با پرداخت پول يك جفت کنش فرانسه از خجالت شما و خانواده محترم بر میآیند خواهید گفت پس قیمت روح و سائر فضائل آدمی کجا میرود ؟ برادر جان تو میدانی که دیگر کسی این روزها بروح و فضائل اخلاقی چندان توجه نمیکنند یکی از دلایلی که دیگر روح خریدار ندارد همین محاسبه پرس مدیکال است .

میگویند امیر تیمور در حمام بود و بدلاک مربوط گفت پسر من چند میارزم ؟

قربان صد تومان ! امیر گفت نادان ! بشعور تنها این لنگه که من بکمر بسته ام صد تومان میارزد ! دلاک جواب داد : قربان بالنگه حساب کردم ؟ (۱) .

و بالاخره این افکار بوج و غلطکار بعض انسانهارا بجائی رسانید که اخیراً در قلب تهران محله‌ای بنام طویل‌ها ایجاد شد. و در آنجا لجام گسیختگی بیشتر و بی بند و باری فراوان‌تر برای بعضی از نسل جوان فراهم است (۱) و بقول یکی از نویسندگان اکنون بعضی از جوامع بشری «حیوان گرای» شده‌اند و جنبه حیوانی خود را تقویت مینمایند .

نمونه‌ای از حیوان گرایی

امین برادر مأمون در جلسات شب نشینی وقتی مست میشد فریاد میزد کدامتان الاغ من میشوید؟! ندیمان و رفقاء جلسه همگی بایک آهنگ میگفتند همه الاغ تو هستیم!! آنگاه امین یکی از آنها را انتخاب میکرد و بر او سوار میشد. و وقتی بهوش می‌آمد باو جوائز میداد (که الاغ شده است) (۲)

اما اسلام صدامیزند آهای بشر تواز بسیاری از موجودات پرازش این جهان برتر و والاتری! روح داری، اقتصاد و شهوت فقط دو شعبه در زندگی تو را تشکیل میدهند و اصولاً تو یک نوع ممتاز و مستقل هستی و بقول خواجه حافظ *پوشگاه علوم انسان و مطالعات فرهنگی*
تورا زکنگره عرش میزنند صغیر اندامت که در این دام که چه افتاده است



طائر عالم قدم چه دم شرح فراق که در این دام که حادثه چون افتادم



من آن مرغم که هر شام و سحرگاه زبام عرش می‌آید صغیرم رهبر بزرگ و شرفخواه امام علی نقی (ع) اعلام خطر میکند و

میرماید من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره (۱) یعنی آنکس که خود را پست و موهون شمرد دیگر (مواظب باش) و خود را از شر و آزار او ایمن بدان (زیرا کسی که خود را بی ارزش یافت بهر کار بیشتر مانده‌ای دست خواهد زد).

اما قسمت دوم

اسلام و ادیان آسمانی دستور میدهند که برای عموم افراد (جز در موارد استثنائی) احترام و ارزش قائل باشیم، و بهیچکس با نظر تحقیر و نوهین نگاه نکنیم.

در نظر اسلام يك انسان سیاه یا سفید یا سواد یا بیسواد بقدری دارای ارزش و احترام است که کشتن او معادل کشتن همه افراد بشر است (سوره مائده آیه ۲۳) همانطور که نگهداری حیات يك انسان نیز برابر با احیاء همه انسانهای روی زمین است (همان آیه).

حضرت نوح (ع) در جواب مردم اشراف که خود را طبقه ممتاز میدانستند و بدیگران بادیده تحقیر و پست بینی نگاه میکردند و با آنحضرت میگفتند پیروان تو مردم پست هستند میفرمود **وما انا بطار الدین آمنوا** (سوره هود آیه ۲۹) من هیچگاه کسی را که ایمان آورده اند طرد نمیکنم و باز میفرمود **ولا اقول للذین تزدري اعينكم لن يؤتيهم الله خيرا** (سوره هود آیه ۳۱) و هیچگاه درباره کسانی که بادیده شما کوچک و پست می‌آیند قائل نمیشوم که خدا با آنها خیر و سعادت می‌دادد است (یعنی از این نظر هیچگونه فرقی با شما ندارند).

و دوست دار بشر حضرت علی (ع) در منشور گرانمایه و فرمان خردمندان
 و بیمانند خود با فسر رشیدش مالک اشتر که او را برای فرمانروائی کشور
 مصر گسیل میداشت سفارش میکند که نسبت بعموم مردم آن سامان چه مسلمان
 و چه غیر مسلمان بانهایت عطف و مهربانی رفتار نماید میفرماید: «واشعر
 قلبك الرحمة للرعية والمحبة لهم واللفظ بهم ولا تكونن عليهم سبعا ضاريا
 تفتنم اكلهم فانهم صنفان اما اخ لك في الدين واما نظير لك في الخلق» (۱)
 یعنی قلب خود را نسبت بر عیت آن کشور مالا مال از محبت و لطف قرار بده!!
 و نکند که همانند درنده‌ای خونخوار بجان آنها افتی و خوردن آنان را غنیمت
 دانی!! زیرا مردم آنجا یا برادر دینی تو هستند یا انسانی همانند تو میباشند!!
 (و بالاخره انسان دوست باش).

و در همین فرمان نامه بخصوص تأکید میفرماید که نسبت با افرادی که
 مردم بادیده خواری با آنها مینگردند و آنان را کوچک میشمارند تفقد نماید
 و رسیدگی کامل داشته باشد.

«وتفقد امور من لا يصل اليك منهم ممن تفتحهم العيون و تحقره
 الرجال» (۲) البته اگر این انسان ایمان بخدا داشته باشد در نظر اسلام
 حتی از بعض ملائکه مقربین محترم تر و عزیز تر است **وان المؤمن اعلى
 عند الله من ملك مقرب** (۳) و حرمت او از خانه خدا بزرگتر است و **انه
 اعظم حرمة من الكعبة** (۴)

۱- نهج البلاغه فیض ص ۹۸۴

۲- نهج البلاغه فیض ص ۱۰۱۰

۳ و ۴ سفینه البحار ماده امن

کعبه گل قبله که خاکیان کعبه دل قبله افلاکیان

امام صادق (ع) میفرماید «من اهان علی مؤمن بشر کلمة لقی الله عزوجل و بین عینیه مکتوب آیس من رحمة الله» (۱) یعنی هر کس بایک کلمه جزئی به شخص خداشناسی توهین وارد سازد در روز قیامت کزنده مشود بین دو چشمان او این جمله ثبت است. «محروم از رحمت خداست»

بالاخره دین بافرا د بشرا. زش نامحدودی می بخشد، و میزان عدالتی که در هر جامعه جاری است بر ارزشی استوار است که افراد از آن برخوردارند. هر ظلم و بیعدالتی از ارزش کم و هر تحول اجتماعی مفید از ارزش زیادی است که جامعه برای افراد خود قائل است، زمانی پول ثروتمندان برای تأسیس بیمارستانها خرج میشود که پی بیرند کسانی که اطراف آنها هستند دارای ارزش نامحدودی هستند.

کسانی دارالمساکین میسازند که بدانند فقرا در نظر خدا و ندارزش دارند و همینطور نسبت بمدارس. از اینها بالاتر به تمام آزادیهای فردی و اجتماعی بدیده احترام مینگردند و فقط در جاهائی مردم از زجر و شکنجه مصون بوده میتوانند در کمال آزادی از حقوق خود دفاع نمایند که در آنجا عموم مردم مساوی شناخته میشوند.

فردیدین ارزش افراد دیگر را بامیزان استفادههایی که از آنها میتوان برد میسنجد و اگر تشخیص داد وجود آنها برای او فائدهای ندارد حاضر نیست برای کمک بآنها تحمل رنج و زحمت نماید و اگر تشخیص

داد برای او مضر هستند برای از بین بردن آنها بهر نوع زور متوسل میشوند (۱)
 اگر در روزنامه‌ها میخوانیم در اثر تقلبات دارویی و غذایی در سال
 صدها نفر بامراض ناشناخته از دنیا میروند ۱۱ (۲) و اگر خوانده ایم که در تهران
 پدری دخترش را با چند سیرترياك فروخت (۳) و اگر نوشتند دردهی يك
 نفر برادرش را برای ۵ ریال کشت (۴) و اگر در لندن پدر و مادری فرزند
 خردسال خود را با يك گرام ترانزیستوری معامله کردند (۵) همه برای آن
 است که ارزش و قیمت انسان بقدری در نظرها کمبود پیدا کرده که احیاناً
 از ۵ ریال هم کمتر است .

تلفات بیحساب جنگهای جهانی گذشته و تلفات فراوان در ویتنام
 که يك گوشه كوچك آن این است که سربازی امریکائی در ویتنام اشتباهاً!
 (تصریح شده بود اشتباهاً) رگبار مسلسل را بر روی خلق الله بیکاری که در
 خیابانها عبور میکردند باز کرد و گروه کثیری از آنها را فی المجلس کشت !! (۶)
 و اینکه در ایالات متحده امریکا تقریباً يك پنجم مجموع تولید کشور
 صرف تجدید تسلیحات میشود (۷) همه و همه نتیجه آن است که قیمت بشر
 از قیمت بره و بز هم کمتر شده است .

باز هم نمونه‌ای عجیب

مردی خودبین و مغرور روزی بیکى از کنیزانش گفت من میخواهم
 سفری بروم آیا تو همراه من میآئی؟ یا اینجا میمانی؟ کنیز که از لحن آقا

(۱) کتاب از دین چه سودی هاند انسان میشود .

۲- ۳ و ۴ و ۵ و ۶ اطلاعات ۲۴ مهر ۴۸

(۷) امیدهای نو صفحه ۳۸ بنقل جوان ص ۴۰۵ قسمت دوم

فهمیده بود که حتماً مائل نیست با او همسفر باشد و الا رسماً دستور میداد که آماده سفر باشد گفت با اجازه شما من همینجا میمانم

اما تا این جمله از دهان کنیز بیچاره خارج شد آقای بی انصاف چسورانه نهمتی ناروا باو زد گفت حتماً رفیقی داری که مینخواهی در غیاب من با او خوش باشی !! آهای غلام! یا این کنیز را ادب کن غلام آمد و هر چه میل آقا بود تازبانه برپیکر او نواخت !!

بعد رو کرد بیکی دیگر از کنیزها گفت تو همراه من میآئی یا اینجا میمانی؟ این کنیز که صحنه پیش را دیده بود و خیال میکرد درسش را خوانده گفت آقا من در رکاب ظفر انساب شاه هستم ولی تا آن کنیز فلک زده این جمله را گفت. آقا فرمودند ! تو آنقدر مرد دوست هستی که یکشب هم نمیتوانی تنها بسر آوری. غلام بیا بزن. او هم آمد و بز بمقدار میل آقا بکنیز کتک زد نوبت کنیز سوم رسید وقتی آقا مطلب خود را که باز راجع بهمان مسافرت بود بیان فرمود کنیز که خیال میکرد از سرگذشت آن دو کنیز پند گرفته گفت قربان من اختیاری از خود ندارم و کاملاً مطیع خواسته و فرمان شاه هستم «حکم آنچه تو فرمائی رای آنچه تو اندیشی» ولی با این همه کوچک مزاجیها کوچک تر از آن بود که آقا از او صرف نظر کند خدا زد غلام بیادش کن !

که چرا یک طرف یا مسافرت یا ماندن را انتخاب نمیکند !! غلام هم بحکم المأمور معذور نامیتوانست میزد در این بین کنیز بدبخت با مختصر رمقی که برایش مانده بود جمله ای گفت ولی چون برای صدای او جوهره ای باقی نمانده بود و اگر هم اندکی باقی مانده بود در ضمن صدای تازبانه

نا بود میشد بگوش مبارك آقا نرسید ، از غلام پرسید چه گفت ؟ غلام گفت
 میگوید یاکراه انتخاب میکنم و آن اینکه هر چه زودتر بمیرم تا روی تو
 رانه بینم !! این مرتبه آقامثل پلنگی خشمگین بغلام بخت برگشته حمله
 کرد که نواز کی لیاقت پیدا کردی که بمن چیزی حالی کنی و بفهمانی !! ؟
 بیائید . بیائید ، غلام را بگویند مأمور دیگری که نمیدانست روز او هم
 رسیده مشغول کوبیدن غلام شد ناگهان آقا پرسید بگو به بینم چند تازیانه
 باوزدی ؟ غلام گفت نمیدانم شماره نکرده ام صدازد بیائید او را گردن
 بزنید !!!

اینهمه بیدادگری فقط برای این بود که آن آقا برای کسی ارزش
 قائل نبود و این تبه کاریها و آلودگیها و خود کامیها در اثر پی بردن
 بارزشهای انسانی است حتی بخود !

آیا شرب نوشابه های خیلی سرد زیان آور است ؟

نوشیدن آب و یا نوشابه های خیلی سرد برای بدن زیان دارد .
 مخصوصاً افرادی که برای اعصاب خود کارشان زودتر
 تحریک میگردد زیان آورتر است زیرا مایعات خیلی سرد
 تعادل اعصاب خودکار (اعصاب سمپاتیک) را که بادستگاه
 گوارش ارتباط دارند بهم میزند و تواید سوء هضم و اختلالات
 جهاز هاضمه مینماید . از کتاب راز تندرستی